

سرچشمه و خاستگاه فلسفه اسلامی

قاسم پورحسن*

چکیده

در دورانی طولانی پرسش از ماهیت فلسفه اسلامی تبدیل به مناقشه‌یی پراهمیت گردید. نوع مواجهه با این پرسش میتواند در رهیافت ما نسبت به فلسفه اسلامی تعیین‌کننده باشد. سه سنخ از دیدگاهها در این باب شکل گرفته که هر کدام قابل تأمل و در عین حال بررسی انتقادی است: نخست، دیدگاهی است که بر یونانی بودن فلسفه اسلامی تأکید ورزیده و آن را تداوم فلسفه‌یی تلقی میکنند که سنت یونانی نامیده میشود. این گروه مدعیند تمامی جریانهای فلسفی در تمام دوره‌ها متأثر یا منشعب از فلسفه یونان بوده و باید در نظریه تداوم خطی مطالعه گردد. طبق این رأی، فرض اینکه تفکر عقلی از ایران، هند یا چین و نیز بابل و بین‌النهرین یا مصر اخذ شده باشد، چندان اعتباری ندارد.

دیدگاه دوم بر بی‌مصدق بودن فلسفه اسلامی پای می‌فشارند. این عده معتقدند اساساً فلسفه‌های دینی بدون مصداق است. تلقی آنان این است در صورتی که قائل به فلسفه اسلامی باشیم با معضلاتی همچون قداست، تناقض، تفسیر متون

۳۹

* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی؛ ghasempurhasan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۴ تاریخ تأیید: ۹۴/۶/۲۴



و عدم رشد و بسط فلسفه روبرو خواهیم بود. ادعای ایندسته این است که اگر از اسلامی بودن فلسفه جانبداری کنیم، لازم می‌آید که فلسفه قداست پیدا کند و هر نقدی به آن بمثابة نقد دین خواهد بود؛ در حالی که این ملازمه صحیح نیست. در مشکل تناقض ادعا میشود که به هیچ روی نمیتوان میان دیدگاه قرآنی و روایی و یونانی سازگاری ایجاد کرد. بنابراین تلقی سعادت یونانی با قرآنی در مقابل یکدیگرند.

در گونه سوم، تأکید میشود که فلسفه اسلامی بسط یافته فلسفه یونان است و چنانچه نتوانیم تفسیر درستی از این سنخ بدست دهیم، نمیتوانیم تبیین صحیحی از ماهیت فلسفه اسلامی و تفاوت گوهری آن با یونان بدست دهیم. اینکه مسائل فلسفی در یونان به دویست مسئله محدود میشد و در دوره اسلامی به هفتصد مسئله گسترش یافت بخودی خود نه بیان درستی از سرشت فلسفه اسلامی است و نه میتواند اسلامی بودن این نوع از فلسفه را توجیه کرده و بنحو مدلل از آن دفاع نماید. سخن این است که آبخور فلسفه اسلامی نه یونان، بلکه آیات قرآن و روایات مأثوره، ادعیه و متون دینی است. با نظریه بسط مسائل نمیتوان از خاستگاه دینی فلسفه اسلامی سخن بمیان آورد. تفاوت بنیادینی وجود دارد میان این نظریه که ریشه فلسفه اسلامی را یونان تلقی کنیم و تلاش فیلسوفان مسلمان را محدود بر گسترش موضوعات یا تنوع بخشیدن براهین یا اصلاح و افزونه کردن آن بدانیم و این نظریه که مسلمانان پیش از آشنایی با فلسفه یونان، تحت تأثیر تعالیم دینی و آموزه‌های قرآنی و سنت نبوی، به تفکر عقلی روی آورده و بتدریج از سایر ملل و نحل بهر مند گردیده‌اند که در این میان بهره‌گیرشان از ایران و هند و یونان بیش از سایرین بود. بنابراین، مدعای ما این است که درصدد اثبات خاستگاه اولیه قرآنی و روایی فلسفه اسلامی هستیم.

کلیدواژه‌ها: فلسفه اسلامی، خاستگاه و ریشه‌ها، آیات و روایات، تناقضات و پاسخها

* * *

۴۰

مقدمه

فلسفه، چیزی جز تفکر عقلی و آزاداندیشی نیست. هر متفکری از هر سرزمینی و در هر دوره‌ای که به تفکر عقلی روی آورد و برای آن ارزش و اعتبار قائل شود، تفکر او را در زمره حکمت یا فلسفه قرار میدهیم. این تلقی که تنها یونان و بتعبیر درستتر، اهل آتن از عقل و فلسفه برخوردار و سایر انسانها بی بهره از تفکر عقلی یا

